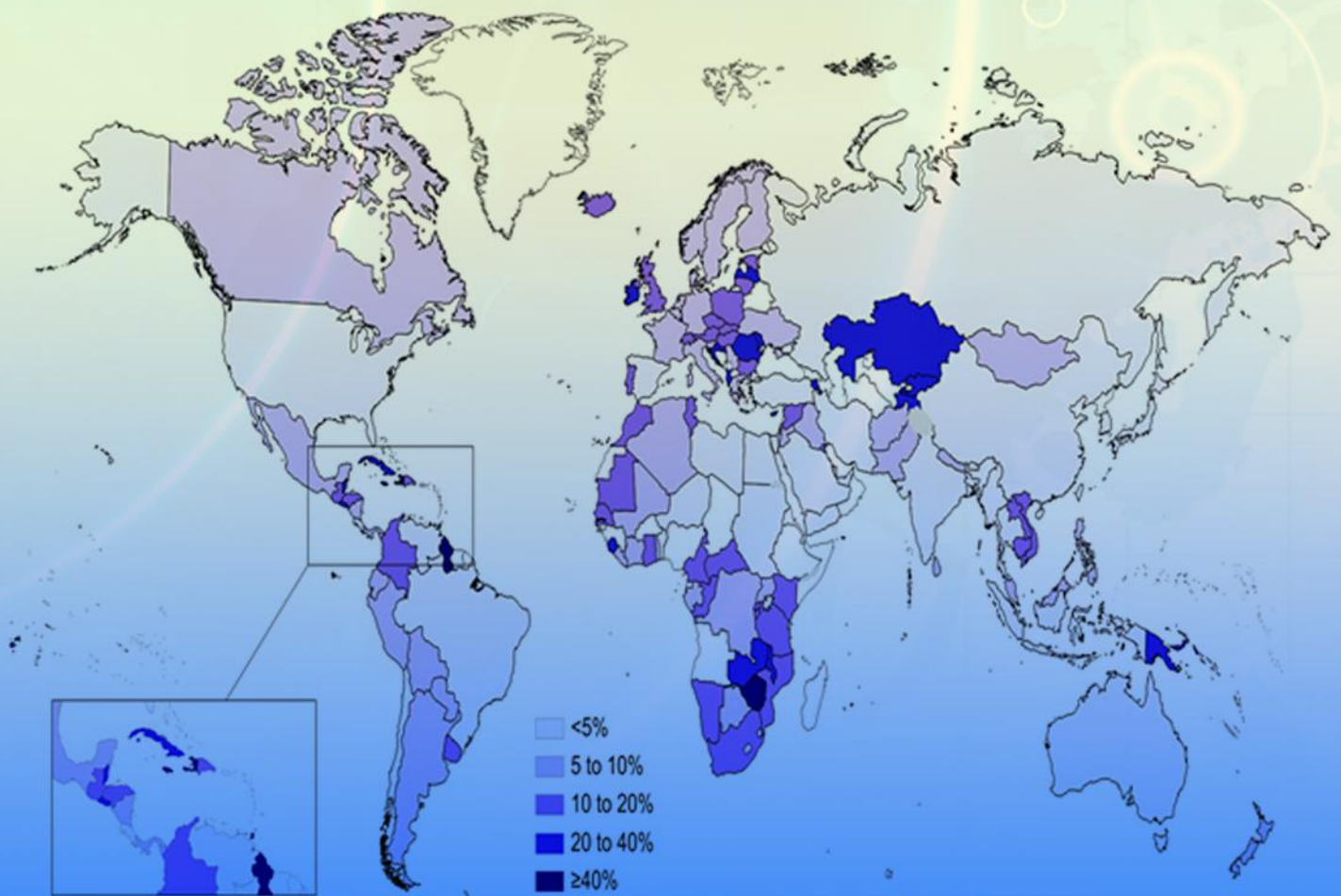


بررسی تطبیقی وضعیت کشور در مهاجرت و جابجایی بین المللی افراد تحصیل کرده

پروژه شبکه مطالعات فناوری

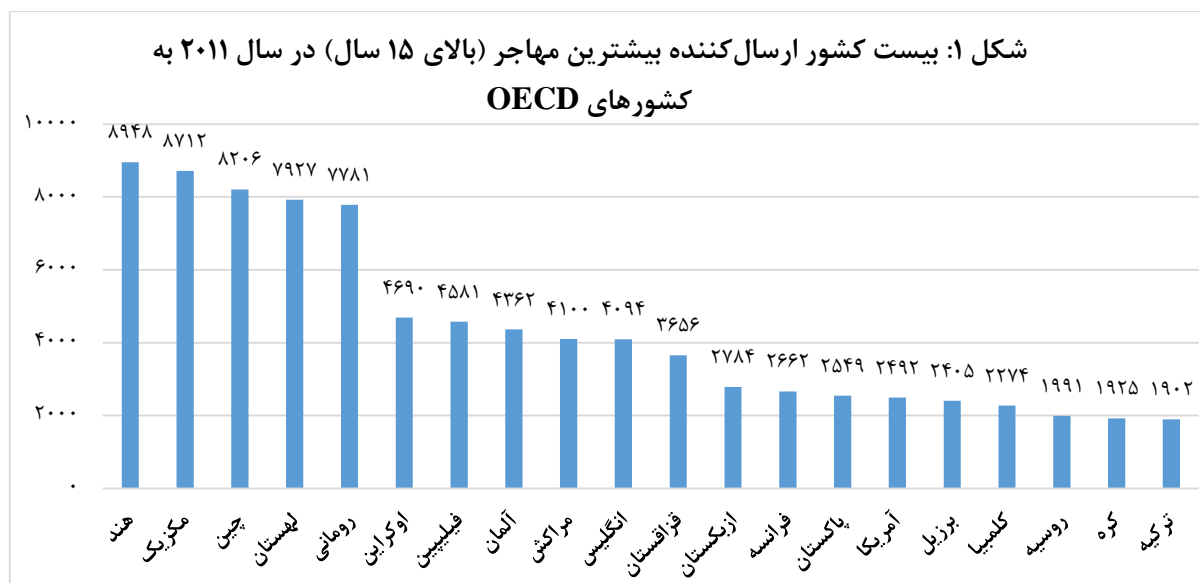


سرمایه‌های انسانی جوان و تحصیل کرده، بدون شک یکی از اصلی‌ترین دارایی‌های کشور محسوب شده و توسعه این دارایی‌ها و بکارگیری بهینه آن در توسعه کشور در سیاست‌های کلی کشور (بندهای ۲-۷، ۴-۶ و ۳-۶ سیاست‌های کلی علم و فناوری ابلاغی مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۳) و همچنین نقشه جامع علمی کشور مورد تأکید قرار گرفته است. بعضاً در محافل رسانه‌ای تحلیل‌هایی در خصوص شرایط بحرانی کشور در حوزه‌هایی مانند مهاجرت نخبگان، فرار مغزها، کاهش ضریب هوشی و نظایر آن ارائه می‌شود که موجب شکل‌گیری مباحثی جدی و چالش برانگیز در محافل سیاستی و تخصصی شده است. این در حالی است که بسیاری از تحلیل‌های ارائه شده در رسانه‌ها، مستند به آمار به‌روز و معتبر نبوده و یا مبتنی بر برداشت‌های شخصی و تجربیات محدود افراد است که ممکن است تطابق کافی با واقعیات نداشته و یا از دقت کافی برخوردار نباشد. از سویی دیگر روند مهاجرت و جابجایی بین‌المللی اتباع تحصیل کرده و به بیان عمومی‌تر، جامعه نخبگانی از مسائلی است که در اکثر کشورها به‌صورت مستمر مورد رصد آماری قرار گرفته و گزارش‌های رسمی و معتبر داخلی و خارجی در مورد آن منتشر می‌گردد و مبنای تصمیم‌سازی قرار می‌گیرد. بر این اساس با توجه به اهمیت موضوع نخبگان در سیاست‌های نظام، ضرورت توجه دقیق‌تر، علمی‌تر و همچنین پایش و رصد مستمر تحولات در این حوزه به شدت احساس می‌شود. نقش و تأثیر مهاجرت بر انتقال دانش، فرهنگ و در نهایت توسعه اقتصادی اثبات شده است. آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد، مهاجرت پدیده‌ای جهانی و در حال رشد است. از سال ۲۰۱۳ نرخ مهاجرت انسان‌ها در زمین از نرخ افزایش جمعیت انسان‌ها پیشی گرفته است. بر اساس آمار سازمان ملل، جمعیت مهاجران در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۲۴۴ میلیون نفر معادل ۳,۳ درصد از کل جمعیت ساکنان کره زمین است. از این‌رو کشورهای مهاجرپذیر و مهاجرفرست سعی می‌کنند با توجه به اقتضات خود سیاست‌های مناسب در زمینه بهره‌برداری از مهاجرت برای دستیابی به اهداف توسعه را طراحی کنند. در این زمینه کشورهای مهاجرپذیر دو سیاست اصلی جذب مهاجران متخصص و با مهارت بالا و نیز ادغام جمعیت مهاجر در جامعه میزبان را طراحی و پیاده‌سازی می‌کنند. از سوی دیگر کشورهای مهاجر فرست نیز دو سیاست اصلی حفظ استعدادها برتر و نخبگان خود و یا جلوگیری از فرار مغزها و نیز بهره‌برداری از نخبگان غیرمقیم و یا چرخش مغزها را در دستور کار خود قرار داده‌اند. نیاز به یادآوری نیست که اطلاعات قابل اتکاء و به‌روز در زمینه مهاجران و مهاجرت ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد، اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و شفاف‌سازی در مواجهه با تصورات غلط است.

روند کلی مهاجرت در سطح بین‌المللی و وضعیت ایران در مقایسه با سایر کشورها

داده‌ها و روندهای کلان مهاجرت در سطح دنیا، حاکی از افزایش دو برابری مجموع مهاجران از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ است. در سال ۲۰۱۳، جمعاً ۲۳۱٫۵ میلیون نفر خارج از وطن خود زندگی کرده‌اند. در حالی که در سال ۲۰۱۳ جمعیت جهان نسبت به سال ۲۰۰۰ حدود ۳۲٫۷ درصد رشد داشته، نرخ رشد جمعیت مهاجر جهان ۳۲ درصد بوده است. این امر نشان‌دهنده میل بالای بشر به مهاجرت (با اهداف مختلفی همچون یافتن زندگی بهتر، ادامه تحصیل، کسب موقعیت‌های شغلی و ...) است.

از طرفی کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه^۱ (OECD)^۲ به عنوان مهم‌ترین کشورهای توسعه‌یافته در جهان، تا کنون میزبان بیش از ۹۰ درصد مهاجران متخصص و تحصیل کرده دنیا بوده‌اند. این کشورها اصلی‌ترین مقصد مهاجرت ایرانیان را نیز تشکیل داده‌اند. براساس این گزارش، ایران جزء ۲۰ کشور مبدأ اول مهاجران جدید به کشورهای OECD در سال ۲۰۱۱ نمی‌باشد (شکل «۱»).



منبع: OECD (2015), *Connecting with Emigrants: A Global Profile of Diasporas 2015*, OECD Publishing, Paris.
DOI: <http://dx.doi.org/10.1787/9789264239845-en>

مقیاس ۱۰۰۰ نفر

۱. استرالیا، بلژیک، کانادا، شیلی، دانمارک، جمهوری چک، استونی، فنلاند، فرانسه، آلمان، یونان، مجارستان، ایسلند، ایرلند، رژیم صهیونیستی، ایتالیا، ژاپن، کره جنوبی، لتونی، لوکزامبورگ، مکزیک، هلند، نیوزیلند، نروژ، لهستان، پرتغال، جمهوری اسلواکی، اسلوانی، اسپانیا، سوئد، سوئیس، ترکیه، انگلیس، آمریکا (جمعاً ۳۵ کشور)

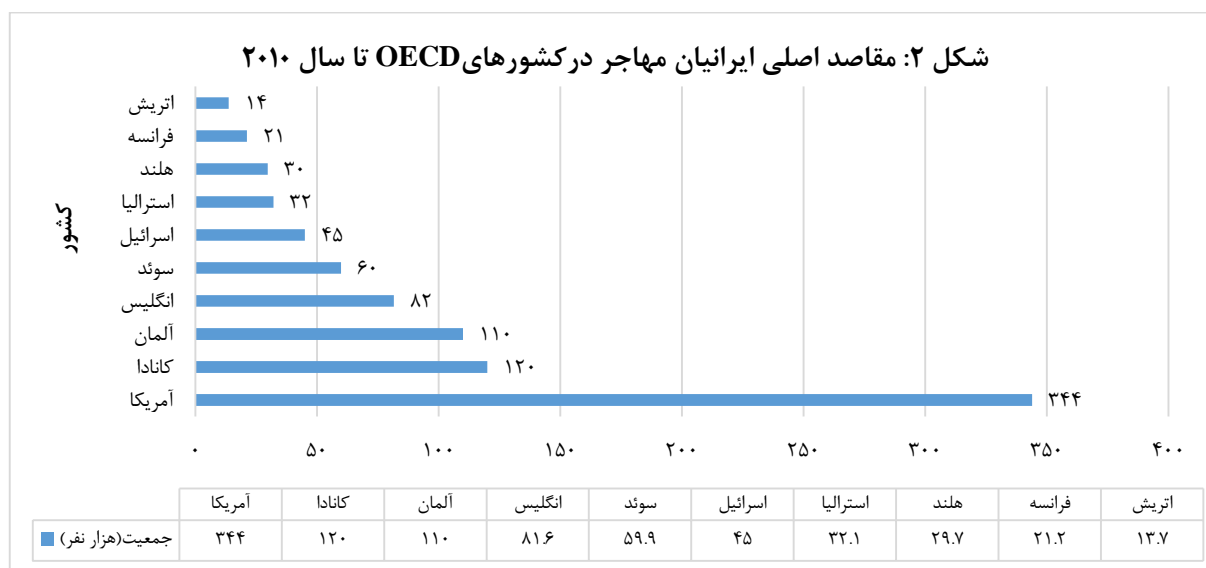
۲. Organization for Economic Cooperation and Development

به علاوه، در گزارش مهاجرت و وجوه ارسالی ۲۰۱۶ بانک جهانی^۱، از حیث خروجی تجمیعی مهاجر تا این سال، ایران با ۱.۶ میلیون نفر بین ۳۰ کشوری که بالاترین جمعیت خروجی مهاجر را داشته حضور ندارد (World Bank, 2016).

نتیجه ۱: ایران جزء کشورهای اصلی مهاجر فرست دنیا محسوب نمی شود. ایران در گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۱۵) جزء ۲۰ کشور اول و در گزارش بانک جهانی (۲۰۱۶) جزء ۳۰ کشور اول ارسال کننده مهاجر قرار ندارد.

نرخ مهاجرت ایران به کل جمعیت به صورت تجمعی ۱,۵ درصد تا سال ۲۰۱۳ بوده است که از میانگین جهانی ۳,۲ درصدی و اکثر کشورهای با وضعیت توسعه مشابه پایین تر است.

بر اساس آخرین گزارش OECD در مورد افراد ترک وطن کرده، مجموعاً ۸۴۵ هزار نفر ایرانی مهاجر در کشورهای OECD وجود دارد که معادل ۱,۵ درصد از جمعیت کشور است که کمتر از نصف میانگین جهانی ۳,۲ درصدی و کمتر از یک سوم میانگین ۵ درصدی در کشورهای اروپایی است^۲. مهم ترین کشورهای میزبان ایرانیان مهاجر در کشورهای OECD در شکل «۲» قابل مشاهده است.



منبع: OECD (2015), *Connecting with Emigrants: A Global Profile of Diasporas 2015*, OECD Publishing, Paris. DOI: <http://dx.doi.org/10.1787/9789264239845-en>

۱. World Bank (2016). *Migration and Remittances Factbook* (3rd edition), advance edition.

<http://siteresources.worldbank.org/INTPROSPECTS/Resources/334934-1199807908806/4549025-1450455807487/Factbookpart1.pdf>

۲. World Migration in Figures A joint contribution by UN-DESA and the OECD to the United Nations High-Level Dialogue on Migration and Development, 3-4 October 2013.

در آخرین رده‌بندی وبگاه سازمان اطلاعات ایالات متحده^۱ در کتاب آمار جهان در رابطه با میزان نرخ خالص مهاجرت^۲ در سال ۲۰۱۶، ایران^۳ با نرخ « ۰/۱ - » در میان ۲۲۲ کشور جهان در میانه جدول و رده ۱۰۷ ام قرار دارد (جدول «۱»). در این سال، کشور قطر، جزایر ویرجین بریتانیا و لوگزامبورگ به ترتیب با نرخ +۱۸,۲۰، +۱۶,۹۰ و +۱۶,۳۰ در رده اول تا سوم این رده‌بندی و کشورهای میکرونزی، ساموآ و تونگا به ترتیب با نرخ -۲۰,۹۰، -۲۰,۶۰ و -۱۷,۸۰ در رده‌های آخر این رده‌بندی قرار گرفتند.

جدول ۱: نرخ خالص مهاجرت در ایران و تعدادی کشور منتخب (منبع: CIA World Factbook, 2016)

رتبه در جهان	کشور
۱۰۷	ایران
۱۰۹	برزیل
۵۲	روسیه
۸۴	هند
۱۲۵	چین
۱۴۰	آفریقای جنوبی
۱۲۱	مالزی
۳۸	کره جنوبی
۱۴۶	ترکیه
۱۲۷	مصر
۱۳۰	عربستان

نتیجه ۲: ایران از نظر شاخص خالص مهاجرت، در میانه کشورهای جهان (رتبه ۱۰۷ از ۲۲۲) و متعادل (نزدیک به صفر) است. به این معنا که جمعیت ایران از محل مهاجرت (اعم از ورودی و خروجی) دستخوش تغییر خاصی نمی‌شود و ۱۰۶ کشور با رتبه بالاتر از ایران از محل مهاجرت دچار افزایش جمعیت می‌شوند. کشورهای توسعه‌یافته (آمریکا، آلمان، کانادا و ...)، مقاصد اصلی مهاجران بین‌المللی محسوب می‌شوند. این روند برای ایران هم کاملاً مشابه است.

۱. CIA World Factbook

۲. باید توجه داشت که هرچه رتبه کشور بهتر باشد به این معنی است که شاخص نرخ خالص مهاجرت بیشتر بوده است و نرخ ورودی مهاجر بیشتر از نرخ خروجی بوده است و شمار کسانی که به آن محدوده یا کشور وارد شده‌اند بیشتر از کسانی است که آن کشور را ترک کرده‌اند.

۳. نرخ خالص مهاجرت ایران به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶

در خصوص مهاجران ایرانی به کشورهای OECD، می‌توان گفت بیش از ۶۰ درصد مهاجران ایرانی به کشورهای انگلیسی‌زبان آمریکا، کانادا، انگلیس و استرالیا مهاجرت کرده‌اند که بیشترین سهم آن با ۳۵ درصد در کشور آمریکا زندگی می‌کنند. بر اساس گزارش بین‌المللی مهاجرت سازمان ملل (۲۰۱۵) تا سال ۲۰۱۳ در مجموع اکثریت مهاجران ایرانی به کشورهای آمریکا، آلمان، کانادا، انگلیس و سوئد عزیمت کرده‌اند (جدول «۲»).

جدول ۲: پنج کشور اصلی میزبان مهاجران ایرانی

(منبع: (United Nations (2015). International Migration Report 2015, New York.

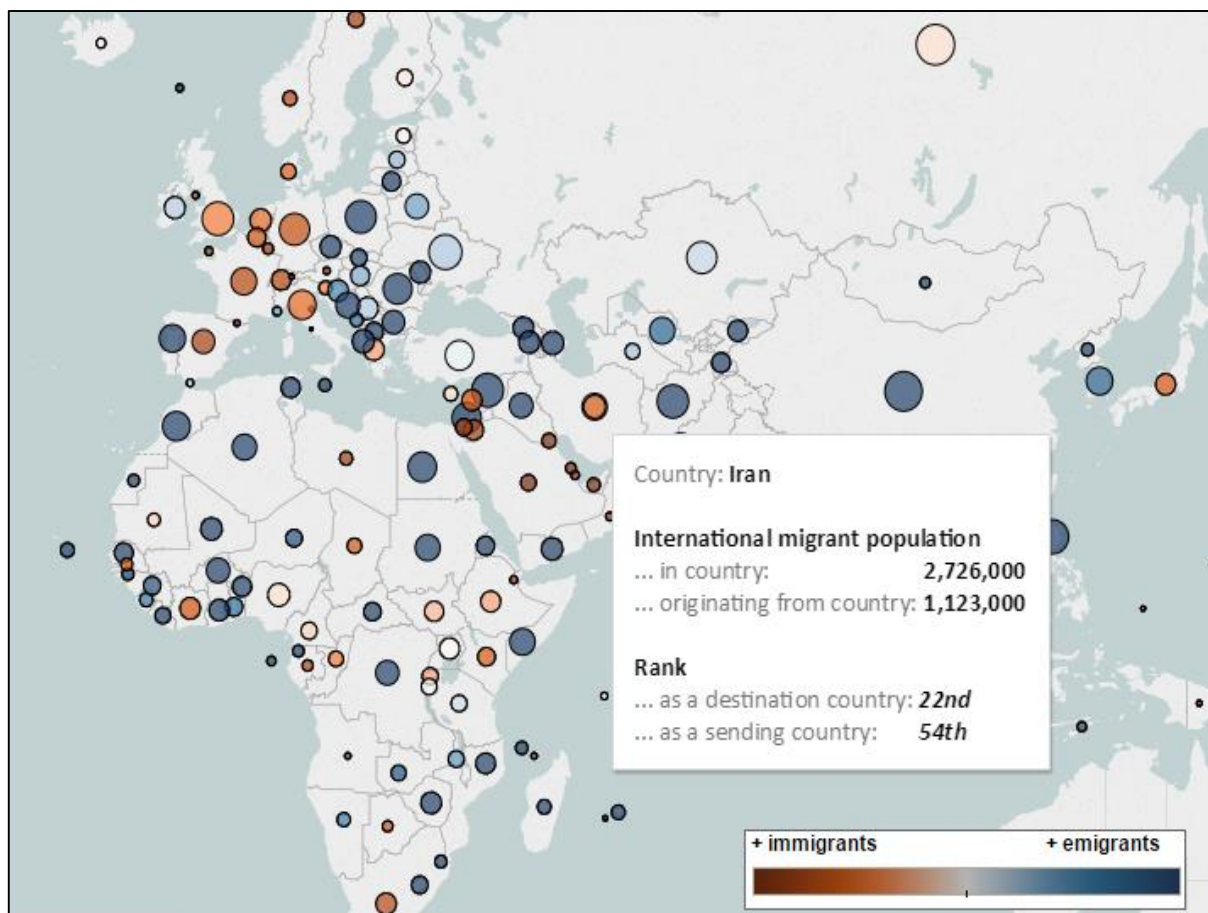
تعداد	پنج کشور اول میزبان بیشترین مهاجر ایرانی تا سال ۲۰۱۳
۳۹۳،۴۱۴	ایالات متحده آمریکا
۱۲۰،۶۵۷	آلمان
۱۰۸،۶۳۲	کانادا
۷۵،۷۳۳	انگلیس
۶۶،۹۷۸	سوئد
۷۶۵،۴۵۴	جمع کل

بر اساس داده‌های سازمان ملل^۱، تا نیمه سال ۲۰۱۵ جمعاً ۲۴۴ میلیون نفر مهاجر در سطح جهانی وجود داشته که ۱،۱۲۳،۰۰۰ آن‌ها ایرانیان مهاجر هستند (معادل ۱،۴ درصد جمعیت کشور). ایران ۵۴ امین کشور دنیا از نظر تعداد مهاجران محسوب می‌شود (شکل «۳»).

نتیجه ۳: در نهایت از منظر نرخ و میزان کلی مهاجرت، ایران بر طبق هیچ گزارش معتبر بین‌المللی جزء کشورهای با نرخ بالای ارسال مهاجر محسوب نمی‌شود و نرخ مهاجرت کشور در مقایسه با میانگین ۳،۲ درصدی جهانی پایین‌تر و کمتر از نصف آن است. در سال ۲۰۱۵، رتبه کشور از نظر تعداد مهاجر ارسالی، ۵۴ ام دنیا می‌باشد که رتبه پایینی است. در مقابل از نظر مهاجرپذیری، ایران همواره جزء کشورهای با رتبه بالا بوده و در سال ۲۰۱۵ جزء ۲۵ کشور اصلی پذیرنده مهاجر محسوب می‌شود.

۱. <http://www.un.org/en/development/desa/population/migration/data/estimates2/estimates15.shtml>

شکل ۳: وضعیت ایران از منظر ورود و خروج مهاجر در نیمه سال ۲۰۱۵



منبع:

Migration Policy Institute (MPI) tabulation of data from the United Nations, Department of Economic and Social Affairs, "Trends in International Migrant Stock: Migrants by Destination and Origin," United Nations database, POP/DB/MIG/Stock/Rev.2015. Available at: www.un.org/en/development/desa/population/migration/data/estimates2/estimates15.shtml.

روند مهاجرت افراد تحصیل کرده و جابجایی دانشجویان در سطح بین‌المللی

نگاهی به آمار جهانی دانشجویان بین‌المللی و جابجایی^۱ آن‌ها در دو دهه گذشته، نشان از رشد حدود چهار برابری است. طبق آمار و اطلاعات مؤسسه مشاوره بین‌المللی آموزش و قوانین^۲، تعداد دانشجویان بین‌المللی از ۱,۳ میلیون در سال ۱۹۹۰ به ۵ میلیون دانشجو در سال ۲۰۱۴ رسیده است.

۱. Mobility

۲. International Consultants for Education and Fairs (ICEF)

<http://monitor.icef.com/2015/11/the-state-of-international-student-mobility-in-2015/>

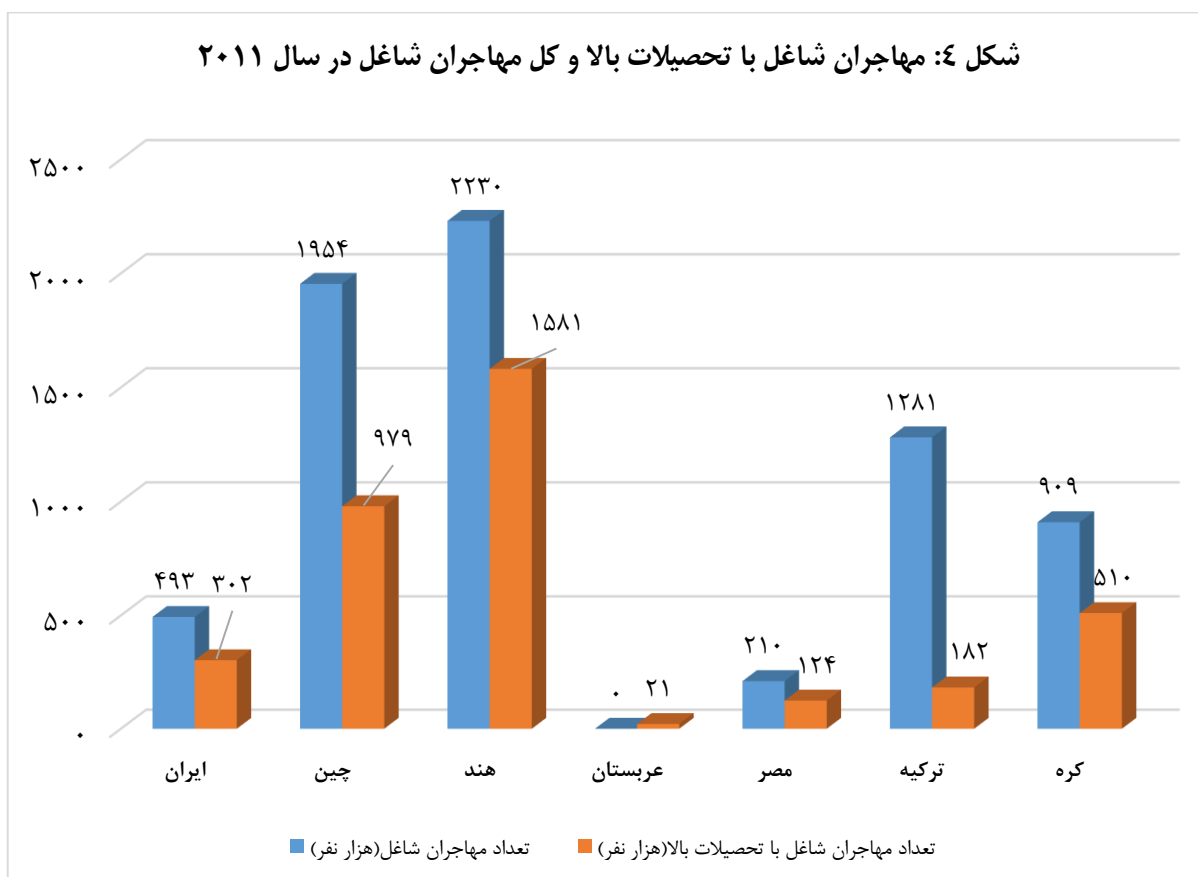
مهم‌ترین مقاصد دانشجویان بین‌المللی در قرن ۲۰، کشورهای انگلیسی زبان (آمریکا، انگلیس، کانادا، استرالیا و ...) محسوب می‌شدند. اما در حال حاضر دیگر کشورها به خصوص کشورهای آسیایی در زمینه جذب دانشجویان تلاش‌هایی صورت داده‌اند و رقابت در جذب دانشجویان در حال افزایش است (ICEF, 2015). بر اساس آمار سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ایران جزء کشورهای با تعداد بالای ارسال‌کننده دانشجو به کشورهای پیشرفته محسوب نمی‌شود. چین، روسیه، کره جنوبی و هند چهار کشور اول ارسال‌کننده دانشجو به کشورهای توسعه‌یافته هستند (OECD, 2105). تعداد کل مهاجران با تحصیلات بالای دنیا که در سال ۲۰۱۱ میلادی در کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه زندگی می‌کردند، ۳۱ میلیون نفر بوده که نسبت به سال ۲۰۰۱، ۱۳ میلیون رشد داشته است. رشد مهاجران تحصیل‌کرده آسیایی به کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، طی ده سال گذشته دو برابر شده و به ۸,۳ میلیون نفر رسیده است (OECD, 2105).

کشورهای اصلی مقصد و مبدأ دانشجویان در سال ۲۰۱۲ و نرخ تغییرات آن نسبت به سال ۲۰۰۸ بر اساس داده‌های OECD نشان می‌دهد که ایران در جمع کشورهای پذیرنده دانشجوی بین‌المللی قرار ندارد و همچنین جزو ۱۰ کشور برتر صادرکننده دانشجو به دانشگاه‌های بین‌المللی نیز نیست. نکته قابل توجه حضور کشور عربستان سعودی در بین کشورهای فرستنده دانشجو به کشورهای OECD است. رشد ۲۱۸ درصدی دانشجویان این کشور نسبت به سال ۲۰۱۲ می‌تواند نشان‌دهنده سیاست این کشور برای اعزام دانشجو به خارج از کشور باشد. ایران با داشتن ۳۲,۷۵۸ دانشجو در OECD در میان ده کشور برتر فرستنده دانشجو قرار ندارد. افزایش تعداد دانشجویان بین‌المللی، نشان از اهمیت جذب و ارسال دانشجویان بین‌المللی جهت تبادل دانش و فناوری مدرن دارد و جمهوری اسلامی ایران نیز باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب این امر را با جدیت دنبال نماید.

نتیجه ۴: تعداد دانشجویان بین‌المللی و مهاجران تحصیل‌کرده به سرعت در سطح جهان و کشورهای نوظهور در حال افزایش است که نشان از اهمیت برنامه‌های رسمی توسعه و گسترش ارسال دانشجویان به کشورهای دیگر و جذب دانشجویان برتر بین‌المللی در سطح کشورها دارد. ایران جزء ۱۰ کشور با بیشترین تعداد ارسال دانشجو و یا جذب دانشجوی بین‌المللی محسوب نمی‌شود.

روند مهاجرت و جابجایی ایرانیان تحصیل کرده و جابجایی دانشجویان ایرانی و مقایسه با کشورهای منتخب

در سال ۲۰۱۱، حدود ۴۹۴ هزار ایرانی در کشورهای OECD مشغول به کار بوده‌اند که از این تعداد ۳۰۲,۳ هزار نفر تحصیلات سطح بالا (دارای مدرک آموزش عالی) داشته‌اند. بر اساس آمارهای رسمی ۵۱,۶ درصد ایرانیان مهاجر به کشورهای OECD در مشاغل با مهارت‌های بالا به اشتغال می‌پردازند و ۴۴ درصد در مشاغل با نیاز به مهارت متوسط به فعالیت می‌پردازند. کشورهای آسیایی هند، فیلیپین و چین اصلی‌ترین کشورهای فرستنده مهاجران با تحصیلات بالا به کشورهای OECD می‌باشند (OECD, 2105). مقایسه وضعیت ایران با تعدادی کشور منتخب در این زمینه در شکل «۴» نمایش داده شده است.



منبع:

Connecting with Emigrants: A Global Profile of Diasporas 2015, OECD Publishing, Paris.

نتیجه ۵: از نظر تعداد کل مهاجران، ایران در بین ۲۰ کشور با بیشترین تعداد مهاجر در کشورهای پیشرفته قرار ندارد و در مقایسه با سایر کشورها، تعداد کل مهاجران ایرانی قابل ملاحظه نمی‌باشد. گرچه بیش از نیمی از مهاجران ایرانی به کشورهای OECD دارای تحصیلات دانشگاهی می‌باشند، ولی بر اساس آمار، ایران از نظر تعداد مهاجران با مدرک دانشگاهی نسبت به کل افراد با تحصیلات دانشگاهی کشور در مقایسه با سایر کشورها دارای نسبتی بسیار پایین بوده و در گروه کشورهای با میانگین پایین در دسته‌بندی OECD قرار می‌گیرد (به شکل "۴" رجوع شود). این امر می‌تواند ناشی از نفوذ و گسترش بالای تحصیلات دانشگاهی و آموزش عالی در ایران در سال‌های اخیر نیز باشد.

در سال ۲۰۱۱، در فهرست کشورهای با بیشترین مهاجران تحصیل کرده در کشورهای OECD، ایران در رتبه ۱۶ام قرار دارد (رتبه ایران در سال ۲۰۰۰، ۱۵ام دنیا بوده است). اگرچه ایران در میان کشورهای اصلی مهاجرفرست قرار ندارد اما در میان کشورهای مبدأ مهاجران با تحصیلات بالا، ایران در جایگاه ۱۶ قرار دارد (OECD, 2105). بر اساس آمار سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، رشد تعداد مهاجران تحصیل کرده در هند و پاکستان در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ با نرخ ۱۲۳ درصد بسیار چشمگیر بوده است و این نرخ رشد برای ایران در این بازه زمانی حدود ۶۳ درصد بوده است.

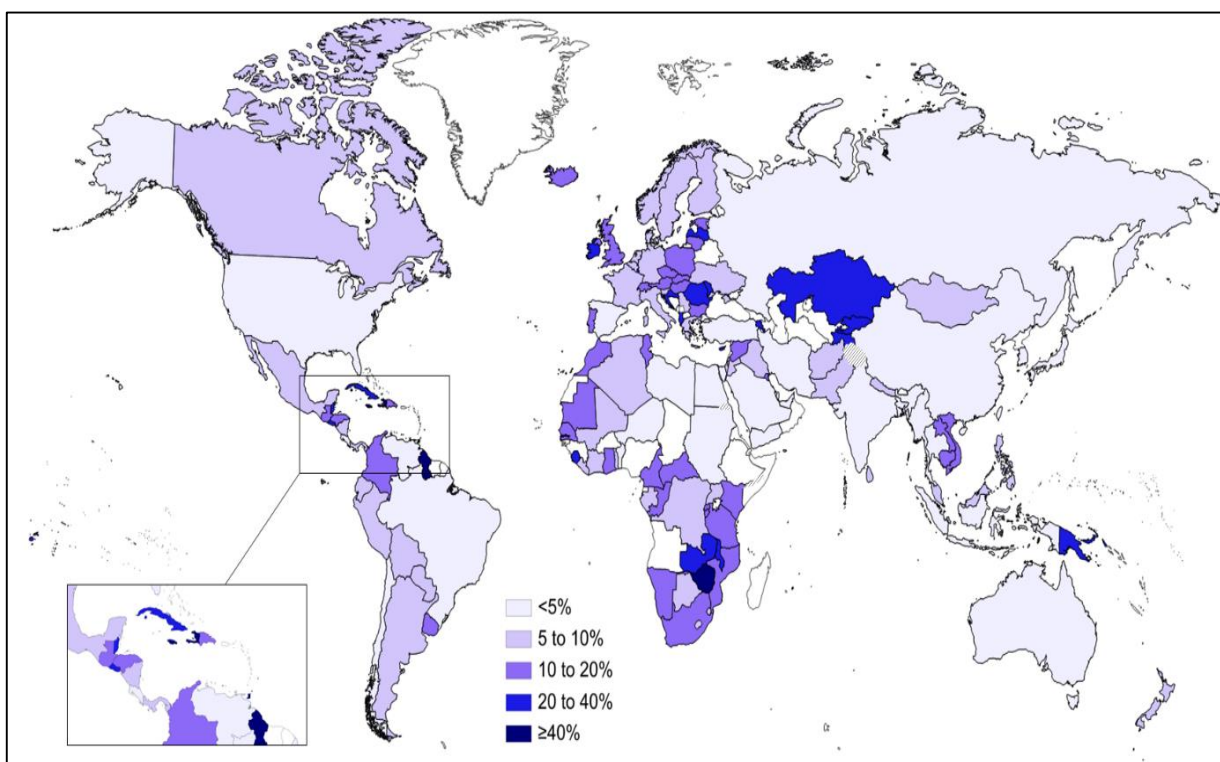
باید عنوان کرد که ایالات متحده، انگلستان و کانادا سه مقصد اصلی برای مهاجران دارای تحصیلات بالا می‌باشند. این سه کشور در مجموع ۶۲ درصد از کل مهاجران با تحصیلات بالای کشورهای OECD را میزبانی می‌کنند. یک تفاوت بزرگ بین ایالات متحده که میزبان ۴۰ درصد از مهاجران است با انگلستان و کانادا، با ۱۱ درصد مهاجران وجود دارد. مهاجران با تحصیلات بالا در ایالات متحده فقط ۳۰ درصد از کل مهاجران این کشور را شامل می‌شوند، در حالی که رقم مشابه برای کانادا و انگلستان ۵۲ درصد و ۴۶ درصد است.

در خصوص مهاجران جدید بالای ۱۵ سال به کشورهای OECD، ایران در جایگاه نهم آسیا با میزان ۱۱۷ هزار نفر قرار دارد. بررسی این آمار به صورت تجمعی نشان می‌دهد که بر اساس سهم مهاجران تحصیل کرده و ماهر از تعداد کل مهاجران، ایران جایگاه چهارم را با سهم ۵۰ درصد مهاجران متخصص در میان همه کشورها داراست. درصد اشتغال مهاجران با تحصیلات بالا برای ایران ۷۱ درصد است که ۵۱٫۶ درصد از این افراد در مشاغل با مهارت بالا مشغول به فعالیت هستند که این عدد برای مهاجران کشور ترکیه به عنوان مثال ۱۹

درصد می‌باشد (OECD, 2105).

در خصوص مهاجرت نیروهای با تحصیلات بالا، بعضی از کشورهای دنیا به خصوص کشورهای واقع در آمریکای مرکزی و حوزه دریای کارائیب، با بالاترین نرخ مهاجرت نیروی تحصیل کرده مواجه‌اند. در شکل «۵» نقشه جهان بر اساس نرخ خروج مهاجران با تحصیلات بالا به کل مهاجران دیده می‌شود. در این تقسیم‌بندی کشورها بر اساس شدت رنگ با مشکل مهاجرت نیروهای تحصیل کرده (به اصطلاح فرار مغزها) مواجه‌اند.

شکل ۵: شدت مهاجرت افراد با تحصیلات بالا^۱ (دارای مدرک آموزش عالی)



همانطور که در شکل «۵» مشاهده می‌شود ایران در زمره کشورهایی است که کمتر از ۵ درصد مهاجر تحصیل کرده به کل جمعیت تحصیل کرده را دارد. عموماً کشورهای کوچک و جزایر واقع در اقیانوس با مشکل فرار مغزها بیشتر درگیر هستند. ایران جزء کشورهای با پایین‌ترین سطح مهاجرت افراد با تحصیلات بالا نسبت به کل تحصیل کردگان در مبدأ (وطن) قرار دارد. در واقع نرخ درصد مهاجرت افراد تحصیل کرده به کل تحصیل کردگان موجود برای ایران (حدود ۴ درصد)، از بسیاری از کشورهای با وضعیت توسعه مشابه و نیز کشورهای پیشرفته کمتر است.

۱. World Migration in Figures A joint contribution by UN-DESA and the OECD to the United Nations High-Level Dialogue on Migration and Development, 3-4 October 2013

نتیجه ۶: بررسی آمارها نشان می‌دهد که تعداد مهاجران تحصیل کرده (افراد دارای مدرک دانشگاهی) و نسبت آن‌ها از کل تحصیل کردگان داخل کشور، در مقایسه با سایر کشورها بسیار پایین می‌باشد. طبق گزارش مشترک سازمان ملل و OECD ایران با حضور در پایین‌ترین سطح طبقه‌بندی جهانی، از نظر این شاخص، در زمره کشورهای است که نرخ مهاجرت افراد تحصیل کرده به کل جمعیت تحصیل کرده در آن، در طبقه کمتر از ۵ درصد قرار دارد. بنابراین با استناد آمار نهادهای معتبر بین‌المللی می‌توان اینگونه گفت که بروز پدیده فرار مغزها در ایران، فاقد هرگونه سندیت می‌باشد.

داده‌های مؤسسه آمار یونسکو^۱ که به جابجایی بین‌المللی علمی^۲ می‌پردازد از اصلی‌ترین منابع داده و اطلاعات بین‌المللی در حوزه آموزش عالی است. در این گزارش آمار و داده‌های مربوط به تعداد دانشجویان هر کشور که خارج از آن کشور به تحصیل (و نه اقامت دائم) اشتغال دارند مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد. بر اساس داده‌های این مؤسسه، جریان خالص جابجایی دانشجویان بین‌المللی^۳ (تعداد دانشجویان بین‌المللی ورودی کشور منهای تعداد دانشجویان بین‌المللی آن کشور در دیگر کشورها) و سهم دانشجویان بین‌المللی ورودی به هر کشور و خروجی از آن پرداخته می‌شود. علیرغم این که تعداد کل دانشجویان خروجی در مقایسه با سایر کشورها رتبه بالایی ندارد اما بر اساس داده‌های این مؤسسه، در تراز خالص جابجایی دانشجویان بین‌المللی، تراز ایران از تمام کشورهای منتخب مورد مقایسه (برزیل، مصر، ترکیه، مالزی و عربستان سعودی) منفی‌تر است (۳۴،۳۰۰- در سال ۲۰۱۵) که نشان از عدم تلاش کافی و فراهم آوردن زیرساخت‌های مورد نیاز برای جذب دانشجویان بین‌المللی در کشور است. در زمینه جذب دانشجوی خارجی و نسبت آن به کل دانشجویان کشور، ایران در سال ۲۰۱۵، ۰،۲۸۷ درصد و پایین‌تر از تمامی کشورهای مورد مقایسه به جز هند، چین و برزیل می‌باشد.

وضعیت کشور در تراز خالص جابجایی دانشجویان بین‌المللی^۴، زمانی که به‌عنوان درصدی از کل دانشجویان مشغول به تحصیل در کشور محاسبه و با کشورهای منتخب مقایسه می‌شود، نشان از وضعیت کاملاً عادی

http://data.uis.unesco.org/Index.aspx?DataSetCode=EDULIT_DS

۱. قابل دسترس در:

۲. International academic mobility

۳. Net flow of internationally mobile students

۴. Net flow ratio of internationally mobile students (inbound - outbound)

کشور (۰,۷۱- درصد در سال ۲۰۱۵) و بالاتر از کشورهایمانند مالزی، عربستان سعودی و چین است. البته عملکرد خوب ترکیه، برزیل و مصر در درصد دانشجویان خارجی به کل دانشجویان این کشورها می‌تواند دست‌مایه برنامه‌ریزی‌های آتی کشور در این زمینه قرار گیرد.

نتیجه ۷: شاخص جابجایی بین‌المللی آموزش عالی^۱ یک درصدی ایران، در مقایسه با کشورهای مشابه به صورت معناداری پایین‌تر است.
در برخی کشورهای مشابه، سهم قابل توجهی از دانشجویان آموزش عالی (مانند مالزی و عربستان) به منظور تسهیل فرایند انتقال دانش و فناوری در خارج از کشور به تحصیل می‌پردازند که در ایران این نرخ از عمده کشورهای مشابه پایین‌تر است.

در شاخص نرخ خالص ثبت نام بین‌المللی دانشجویان و درصد آن از کل دانشجویان شاغل به تحصیل در کشور^۲، ایران با ۰,۷۲ درصد در سال ۲۰۱۵، در وضعیتی کاملاً مشابه با ترکیه و چین و بالاتر از مصر و برزیل قرار دارد. عربستان سعودی در سال‌های اخیر رشد بسیار زیادی را در این شاخص تجربه نموده (۳,۵ درصد در سال ۲۰۱۵) که نشان از سیاست‌های هدف‌دار این کشور در توسعه دانشجویان بین‌المللی این کشور است. همچنین در شاخص تعداد خالص دانشجویان بین‌المللی هر کشور^۳، وضعیت ایران (۴۸ هزار نفر در سال ۲۰۱۵) در مجموع قابل قبول و هم‌تراز با برزیل و ترکیه قرار دارد. تعداد دانشجویان بین‌المللی در مالزی و عربستان با اختلاف، از ایران بالاتر است. تعداد دانشجویان خارجی عربستان هم با شیب زیادی از تقریباً ۱۰ هزار دانشجوی خارجی در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۸۵ هزار دانشجوی خارجی در سال ۲۰۱۵ رسیده است (شکل «۶»).

نرخ ناخالص ثبت نام در آموزش عالی خارج از کشور^۴ به نسبت دانشجویان هر کشور که خارج از آن کشور به تحصیل مشغول هستند به جمعیت در سن تحصیلات دانشگاهی در آن کشور اطلاق می‌شود. با مقایسه وضعیت ایران با کشورهای هدف^۵ می‌توان دریافت که سهم دانشجویان ایرانی در مقایسه با تعدادی کشور منتخب قابل قبول، اما با شیب کمی در حال رشد است.

۱. نسبت دانشجویان آموزش عالی هر کشور که در خارج از کشور به تحصیل می‌پردازند، به کل دانشجویان آموزش عالی آن کشور

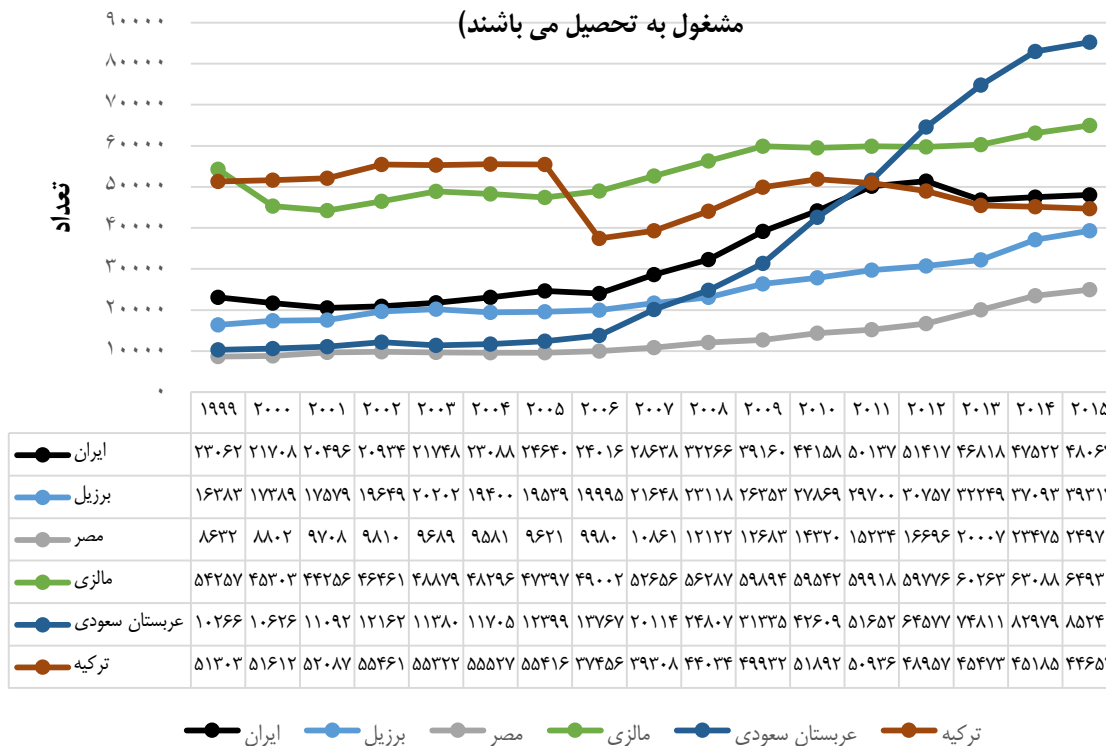
۲. Gross outbound enrolment ratio by host region

۳. International (or internationally mobile) students

۴. Gross outbound enrolment ratio by host region

۵. <http://data.uis.unesco.org/>

شکل ۶: تعداد خالص دانشجویان بین‌المللی (تعداد دانشجویان هر کشور که در خارج از آن کشور مشغول به تحصیل می‌باشند)



نتیجه ۸: بررسی‌های گزارش‌های بین‌المللی نشان از تعداد پایین دانشجویان ایرانی در دیگر کشورهاست. سرانه دانشجویان ایرانی در خارج به دانشجویان داخلی ناچیز و نشان از عدم اهتمام کافی کشور به توسعه تبادلات علمی از طریق دانشجویان است. به علاوه، اگر چه سهم مهاجران تحصیل کرده ایرانی به کل مهاجران کشور به کشورهای OECD نسبتاً بالا است (حدود ۵۰ درصد)، اما نسبت آن‌ها به تحصیل کردگان داخلی (۴ درصد در سال ۲۰۱۱ در مقایسه با ۷ درصد در سال ۲۰۰۰)، در مقایسه با کشورهای مشابه و پیشرفته پایین محسوب می‌شود.

تعداد کل دانشجویان خارجی ایرانی در سال ۲۰۱۵، ۴۸ هزار نفر بوده که ضمن پایین بودن نسبی در مقایسه با اقتصادهای نوظهور، نشان از جابجایی کمتر از ۱۰ هزار دانشجوی ایرانی جدید در هر سال است.

در مجموع دانشجویان ایرانی تمرکز بسیار بالایی در رشته‌های فنی و مهندسی، علوم پایه و ریاضیات دارند و طبق آمار موجود، بیش از ۷۵ درصد دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در

آمریکا، در این رشته‌ها به تحصیل می‌پردازند که نیازمند اعمال سیاست‌هایی برای افزایش توازن دانشجویان رشته‌های یاد شده با علوم انسانی و اجتماعی است.

در نهایت می‌بایست اشاره گردد بر اساس بررسی آمار و اطلاعات بین‌المللی، وضعیت کشور در حوزه دانشجویان بین‌المللی و تحصیل‌کردگان ایرانی غیر مقیم به هیچ وجه بحرانی نیست. لذا تعبیرهای برخی رسانه‌ها و محافل علمی در این راستا غیر دقیق و مبتنی بر برداشت‌های متفاوت از آمار و اطلاعات این حوزه و واژگان تخصصی این حوزه است. اما باید اذعان داشت بخشی از دانشجویان و تحصیل‌کردگان یاد شده، سرمایه‌های ویژه کشور هستند که می‌بایست به صورت فعال و هدف‌مند مدیریت، و از توانمندی‌های آن‌ها بهره‌برداری مناسبی صورت گیرد. مهم‌ترین مسائلی که در شرایط فعلی می‌تواند دست‌مایه اقدامات سیاستی و اجرایی نهادهای ذیربط در راستای گردش دانشجویان بین‌المللی و تحصیل‌کردگان غیر مقیم قرار گیرند در چند محور قابل جمع‌بندی است:

الف) مدیریت و ساماندهی مستمر و فعال گردش دانشجویان بین‌المللی و همکاری با تحصیل‌کردگان ایرانی غیر مقیم در راستای نیازها و اولویت‌های پژوهشی و فناورانه کشور

ب) هدایت تحصیلی استعدادهای جوان کشور به سمت رشته‌های مورد نیاز و دارای اولویت (مانند مدیریت، اقتصاد، صنعت خودرو، هوانوردی، مهندسی پزشکی، تجارت بین‌الملل و ...)

در راستای افزایش نرخ ماندگاری آن‌ها در کشور

ج) ساماندهی اشتغال نخبگان و تحصیل‌کردگان از طریق الزام به کارگیری آن‌ها در داخل، در قراردادهای خارجی شرکت‌های بین‌المللی در قالب پیوست فناوری قراردادهای شرکت‌های بزرگ ایرانی

د) رویکرد فعال به تشویق دانشجویان بین‌المللی و تحصیل‌کردگان ایرانی غیر مقیم برای بازگشت به کشور و افزایش پوشش و گستره حمایت از آن‌ها

ملاحظات سیاستی در باب جابجایی دانشجویان و مهاجرت تحصیل‌کردگان

باید پذیرفت که جابجایی نیروهای کار متخصص و تحصیل‌کرده و نیز دانشجویان، زمینه تبادل دانش و فناوری را در سطح بین‌المللی فراهم می‌آورد. آمار ارائه شده توسط مراجع بین‌المللی مانند سازمان ملل، سازمان همکاری اقتصادی و توسعه یا آمارهای ارائه شده در بانک‌های اطلاعاتی اداره مهاجرت آمریکا، بیانگر نرخ پایین مهاجرت دانشجویان ایرانی نسبت به سایر کشورهای با سطح توسعه مشابه ایران است. با توجه به اینکه ایران در زمره کشورهایی است که نرخ افراد تحصیل‌کرده نسبت به کل جمعیت در آن بالاست و در حال حاضر هم بالغ بر ۵ میلیون دانشجو در کشور مشغول به تحصیل هستند؛ خروج سالانه کمتر از ۱۰ هزار دانشجو برای ادامه تحصیل، در مقایسه با کشورهای مشابه میزان کمتری داشته و نشان از عدم وجود برنامه مناسب برای بهره‌گیری از منافع حاصل از تبادل دانش و فناوری از طریق دانشجویان بین‌المللی است.

در شاخص نرخ دانشجویان مهاجر (خروجی از کشور) به کل دانشجویان، در مقایسه با کشورهایمانند عربستان، کره جنوبی و بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ایران عملکرد ضعیف‌تری دارد. از آن‌جا که در فضای مدرن آموزش و تعالی، جابجایی دانشجویان و افراد متخصص، پژوهشگر و تحصیل‌کرده، موجب تبادل دانش در سطح بین‌المللی شده، این امر برای کشورهای مبدأ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بر اساس ملاحظات یاد شده، سه گزاره سیاستی عمده مطرح می‌شود که می‌بایست توسط سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران کشور مورد توجه قرار گرفته و جهت‌گیری آتی کشور حول آن‌ها به دقت تدوین و پیاده‌سازی گردد.

۱) تصمیم‌گیری در مورد تمایل یا عدم تمایل کشور به حضور فعال و هدفمند دانشجویان ایرانی در سطح

بین‌المللی

در حال حاضر در محافل رسانه‌ای، عموماً افزایش حضور دانشجویان ایرانی در سطح بین‌المللی به عنوان یک تهدید تلقی می‌شود و با در نظر گرفتن حضور نسبتاً کم‌رنگ دانشجویان ایرانی خارج از کشور (به گواه آمار سازمان‌های بین‌المللی)، لازم است تصمیم‌گیری لازم در خصوص حمایت و یا عدم حمایت از ارسال دانشجویان به خارج از کشور در اسرع وقت اتخاذ شود.

روند و سیاست‌های بسیاری از کشورهای مشابه و دارای انگیزه توسعه و هم‌پایی (کچ‌آپ) فناورانه^۱ (مانند چین، هند، عربستان سعودی، مالزی و ...)، نشان از تمایل آن‌ها به افزایش هدفمند دانشجویان خود در سطح بین‌المللی است که می‌تواند در صورت برنامه‌ریزی مناسب به کانالی مؤثر در انتقال و تبادل دانش و فناوری تبدیل شود.

۲) تصمیم در مورد شبکه‌سازی، جذب و بهره‌برداری از ایرانی‌های تحصیل‌کرده و دانشجویان ایرانی غیرمقیم در کشور

بسیاری از کشورها با طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های هوشمندانه شبکه‌سازی و تشویق به بازگشت دانشجویان و تحصیل‌کردگان خود در دیگر کشورها، از ظرفیت آنان در توسعه علمی و فناورانه بهره‌بردارانی کرده‌اند (نمونه بارز آن در حال حاضر چین و هند می‌باشند). اما در ایران در این راستا، تلاش‌های کافی صورت نگرفته و عزم سطوح سیاسی و حاکمیتی در این باره روشن نیست و گواه آن، عدم وجود همکاری‌های نظام‌مند بین ایرانیان تحصیل‌کرده خارج از کشور با دانشگاه‌ها، بنگاه‌ها و سازمان‌های دولتی ایرانی است. این در حالی است که بارها علاقه‌مندی هموطنان غیرمقیم به همکاری با کشور اعلام شده است.

۳) تصمیم در مورد بین‌المللی نمودن دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی داخلی از نظر جذب دانشجو، محقق و استاد خارجی

یکی از شاخص‌های متداول رتبه‌بندی دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی، میزان درگیر شدن آن‌ها در جذب دانشجویان و اساتید خارجی است که می‌تواند در زمینه تبادل دانش و فناوری و نیز تأثیرگذاری در راستای منافع علمی و فناورانه کشور بسیار مثمر ثمر باشد. اما با شرایط فعلی و نیز محدودیت‌های اخذ روادید و فعالیت قشر تحصیل‌کرده و دانشجویان خارجی، بروز منافع یاد شده عملاً فراهم نمی‌باشد. این امر لزوم تصمیم‌گیری و توجه سطوح سیاسی و حاکمیتی نظام به این مقوله را گوشزد می‌نماید.

۴) استمرار و افزایش مقیاس اقدامات و برنامه‌های فعلی مشوق بازگشت تحصیل‌کردگان ایرانی غیرمقیم به صورت هدفمند

۱. Technological Catch-up

مدیریت فعال جابجایی بین‌المللی دانشجویان و تحصیل کردگان ایرانی در راستای نیازهای پژوهشی و فناورانه کشور و همکاری مستمر با آنها، می‌بایست با برنامه‌های هدف‌مند بازگشت نخبگان همراه گردد. برنامه فعلی بنیاد نخبگان "همکاری با متخصصان و دانشمندان برجسته ایرانی غیر مقیم" در این راستا، در دوره زمانی نسبتاً کوتاه اجرای آن با نتایج مناسبی همراه بوده که می‌بایست ضمن ارزیابی و بهبود مستمر آن، زمینه افزایش پوشش و دامنه حمایت‌های ناشی از آن برای دانشجویان و تحصیل کردگان غیرمقیم فراهم آید.

۵) به کارگیری تحصیل کردگان و نخبگان در داخل در قالب پیوست فناوری قراردادهای شرکت‌های بین‌المللی با شرکت‌های بزرگ ایرانی

در ماده ۲ نظامنامه پیوست فناوری در قراردادهای بین‌المللی، حداکثر بکارگیری منابع انسانی متخصص ایرانی در اجرای طرح و ارتقاء دانش تخصصی و مهارت نیروی انسانی مورد تأکید قرار گرفته است. در صورت اجرایی نمودن این به کارگیری آن می‌توان تا حد قابل قبولی به اشتغال نخبگان و تحصیل کردگان سامان بخشید و نرخ ماندگاری آنها را افزایش داد.